

تبیین دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری روزنا

سید امیر نیاکویی^۱
دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان
محسن زمانی
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان
(تاریخ دریافت ۹۴/۹/۲۴ - تاریخ تصویب ۹۵/۴/۶)

چکیده

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اصول‌گرایی عدالت‌محور در دولت قبل به آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه تغییر یافت و بر این اساس دیپلماسی هسته‌ای کشور نیز دچار تحول اساسی شده است. در واقع سیاست هسته‌ای ایران از حالت تقابلی - تهاجمی در دولت قبل به حالت تفاهمی - تعاملی در دولت جدید تغییر جهت یافته و حل معمای هسته‌ای به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل سیاست ایران در سال‌های گذشته در صدر اولویت‌های کاری دولت یازدهم قرار گرفته است.

در این مقاله می‌خواهیم که عوامل تأثیرگذار بر این دیپلماسی جدید هسته‌ای و حصول

niakoe@gmail.com

^۱. نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۱۷-۱۸۱

برجام را براساس مدل جیمز روزنا بررسی کنیم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به ترتیب نظام بین‌الملل، فرد (شخصیت و اندیشه‌های رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده) و همچنین جامعه مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دستیابی به توافق بوده و این عوامل بیشتر از نقش سازمان بوروکراتیک (حکومت) در رسیدن به این توافق تأثیرگذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: جامعه، دیپلماسی هسته‌ای، فرد، نظام بین‌الملل، نظریه روزنا.

مقدمه

حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با سه وعده انتخاباتی خود توانست رأی‌ها را به‌سوی خود جذب کند و به ریاست جمهوری برسد. البته این سه وعده انتخاباتی تنها مختص به او نبود و دولت‌مردان پیشین هم به آنها اشاره کرده بودند. این وعده‌ها، سیاست خارجی تعامل‌گرا و ارتقای روابط خارجی با جهان و به‌ویژه غرب، بهبود وضع اقتصادی و معیشت مردم و پایین آمدن نرخ تورم و به‌تبع آن رونق کسب و کار، بهبود فضای سیاست‌ورزی و احیای حقوق شهروندی در داخل کشور بود. اگر در دولت محمد خاتمی بهبود فضای سیاست‌ورزی در کشور و در دوران محمود احمدی‌نژاد وعده بهبود منزلت اقتصادی سرلوحه کار قرار گرفت؛ در دولت روحانی محور بیشتر برنامه‌های او موضوع سیاست خارجی است و در رأس آنهم حل چالش هسته‌ای قرار دارد. در واقع در آستانه انتخابات ریاست جمهوری افزایش تنش میان ایران و غرب بر سر موضوع هسته‌ای سبب شد تا مسائل مختلف سیاست داخلی و خارجی کشور تحت تأثیر این موضوع قرار گیرد، به‌ویژه آنکه پیوند خوردن تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی با موضوع هسته‌ای آن را به یکی از محورهای اصلی رقابت‌های انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری تبدیل کرد.

دولت روحانی با وعده چرخیدن هم‌زمان چرخ سانسیتیویژها و زندگی مردم وارد انتخابات شد و متناسب با همین شعار سیاست خود در موضوع هسته‌ای را تعدیل سیاست هسته‌ای کشور و کاهش هزینه‌های ناشی از آن معرفی کرد. روحانی راه پیشرفت کشور و کسب جایگاه و منزلت ایران در معادلات بین‌المللی را نه در تقابل که در تعامل سازنده با جهان جست‌وجو می‌کرد. او برخلاف اصول‌گرایان که موضوع هسته‌ای را به موضوعی محوری و هویتی تبدیل کرده بودند، در پی به حاشیه‌راندن این موضوع و حل مسالمت‌آمیز آن با غرب بود. روحانی بر پایه شعار اعتدال، گفتمان سیاست خارجی خود را آرمان‌گرایی همراه با واقع‌گرایی معرفی کرد که راهی میانه بین

سازش و ستیزش با غرب بر سر موضوعاتی چون موضوع هسته‌ای بود (فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

در حقیقت با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز تغییر رویکرد داد و وارد مرحله تازه‌ای شد. از ویژگی‌های قابل توجه این گفتمان تنش‌زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی در جهت منافع ملی و عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای منطقه به‌ویژه همسایگان، بازسازی روابط با شرکای سنتی در اروپا و آسیا بوده است. سیاست روحانی در مسئله هسته‌ای تلاش برای خروج پرونده ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای و همچنین مذاکرات جدی و هدفمند برای رسیدن به تفاهم براساس منافع ملی کشور و همچنین مدیریت، کاهش و لغو تحریم‌های بین‌المللی چندجانبه و یک‌جانبه بوده است.

در این میان سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا چنین گفتمانی بر سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران غالب شده است؟ و در این راستا متغیرهای تأثیرگذار براساس اهمیت و اولویت چه متغیرهایی هستند؟ در رابطه با دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم اگرچه آثاری نوشته شده است؛ ولی کمتر از دیدگاه نظری به این موضوع پرداخته شده است. از معدود آثاری که به سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از دیدگاه نظری پرداخته است می‌توان به مقاله الهام رسولی و سیدمحسن میرحسینی با عنوان «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا» اشاره کرد (رسولی و میرحسینی: ۱۳۹۴). اگرچه این مقاله تلاش می‌کند تا متغیرهای مورد نظر روزنا را در رابطه با موضوع هسته‌ای مورد آزمون قرار دهد؛ اما تفاوت‌های قابل توجهی با اثر حاضر دارد از جمله اینکه اصول و جهت‌گیری و گفتمان حاکم بر دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی چندان مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرد. همچنین این اثر به واکاوی عوامل تأثیرگذار بر دیپلماسی

هسته‌ای کشور براساس درجه و میزان اهمیت و اولویت نمی‌پردازد و همه عوامل را بدون توجه به اولویت آن‌ها که کاملاً متفاوت هستند، به شیوه‌ای بسیار موجز و غیرانضمامی بررسی می‌کند؛ به گونه‌ای که خیلی مشخص نمی‌شود که فشارهای خارجی و تحریم‌ها و همچنین شخصیت و ادراک تصمیم‌گیرندگان و یا متغیرهای اجتماعی بر تغییر سیاست هسته‌ای ایران چه تأثیری داشته است.

چارچوب نظری: نظریه تصمیم‌گیری جیمز روزنا

پیشینه مطالعه روابط بین دولت‌ها یا روابط بین‌الملل، به اندازه قدمت و سابقه خود دولت‌ها است؛ اما مطالعه سیاست خارجی یا تحلیل سیاست خارجی سابقه زیادی ندارد و سابقه آن به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد (Hudson & Vore, 1995, 212) که آنهم به شدت تحت تأثیر نظریه‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی مانند نظریه انتخاب عقلانی، روان‌شناسی انسانی و مطالعات سازمانی بوده است که در هر کدام از این نظریه‌ها بر بخشی از فرایند سیاست خارجی تأکید می‌شود (آلدن و آران ۱۳۹۳: ۱۱). مروری بر تاریخچه مطالعات سیاست خارجی حاکی از آن است که می‌توان نظریه‌های سیاست خارجی را در درون سه رهیافت روش‌شناسانه کلان، خرد و مختلط (میانبرد) تقسیم کرد:

۱. رهیافت کلان

این رهیافت به کل نظام بین‌الملل اشاره دارد. نویسندگانی که در این سطح تحلیل می‌نویسند، بر مفاهیم، مفروض‌ها و قضایای تجربیدی توجه دارند و بر تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی کشورها تأکید می‌کنند. در این رهیافت، کشورها به عنوان کنشگر اصلی نظام بین‌الملل همچون توپ‌های بیلیارد هستند که ماهیت درونی آن‌ها یکسان است؛ بنابراین بر چگونگی چرخش آن‌ها روی میز بیلیارد بین‌الملل تأثیر ندارد. بنابراین این کنشگران از نظر نوع کارکرد، تفاوتی با یکدیگر ندارند و نوعی همگونی بین آن‌ها وجود دارد. به همین دلیل، نظام‌های ارزشی و پویش‌های داخلی

بازیگران در رفتار سیاست خارجی‌شان نقش کمی دارد (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

مهم‌ترین نظریه‌ای که در این رهیافت قرار می‌گیرد، نظریه واقع‌گرایی ساختاری کنت والتز است. در نظریه والتز، سیاست خارجی واحدها (دولت‌ها) تحت تأثیر ساختار نظام بین‌الملل است. ساختار نظام بین‌الملل برحسب اصل سازمان‌دهنده اقتدارگریزی و توزیع قدرت فهمیده می‌شود. این ویژگی‌ها به منابع بین‌المللی رفتار دولت‌ها شکل می‌دهد. از این نظر، ساختارها و سیاست‌های داخلی از مجموعه عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی حذف می‌شود. در واقع، ساختارهای نظام است که بر کنش واحدها اثر می‌گذارد و به رفتار آن‌ها شکل می‌دهد (Waltz, 1979, 9)

۲. رهیافت خرد

نویسندگان این رهیافت بر تأثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار خارجی آن‌ها تأکید می‌کنند. به باور آن‌ها وجود تفاوت در رفتار کشورها حاکی از اهمیت ساختار داخلی است. از این نظر، عملکرد و رفتار خارجی کشورها از یک سو، تابع مقتضیات داخلی و محیط استقرار هر واحد خاص جغرافیایی است، از سوی دیگر، تحت تأثیر شخصیت تصمیم‌گیرندگان، محیط اجتماعی و چانه‌زنی‌های دیوان‌سالارانه در سطح داخلی جامعه است. از مهم‌ترین نویسندگان این رهیافت می‌توان به هارولد و مارگارت اسپروت، ریچارد اسنایدر، گراهام آلیسون و هالپرین اشاره کرد. این دسته از نویسندگان اعتقاد دارند که برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی باید به داخل جوامع رجوع کرد و به بازگشایی اندیشه تصمیم‌گیران سیاست خارجی پرداخت (Sporout, 1957, 309)

۳. رهیافت مختلط یا میانبرد (ترکیب دو سطح تحلیل)

نویسندگان این رهیافت در پی استفاده از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هستند. از جمله نویسندگان این رهیافت می‌توان به جیمز روزنا اشاره کرد. به اعتقاد روزنا، تحلیل‌گران شایسته‌ای وجود دارند که مجموعه گسترده‌ای از فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناسانه را کشف کرده‌اند

که بر رفتار خارجی جوامع تأثیرات قابل توجهی (محدودیت‌ساز و توانمندساز) دارد. تحلیل‌گران دیگری هستند که بر فرایندهای سیاسی متمرکز شده‌اند و بین سیاست خارجی یک ملت و تغییرات در افکار عمومی، فعالیت‌های رسانه‌های جمعی و ویژگی‌ها نخبگان، گرایش‌ها، انسجام و پیوند برقرار می‌کنند. عده‌ای دیگر از تحلیل‌گران، توجه خود را به متغیرهای انگیزشی، نقش و متغیرهای سازمانی معطوف کرده‌اند که در درون حکومت‌ها به‌عنوان تعیین‌کننده سیاست خارجی عمل می‌کند. پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که به انواع خاصی از تصمیم‌گیرندگان و نهادهای تصمیم‌گیر به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر فرایند سیاست‌گذاری خارجی توجه دارند. بنابراین، می‌توان گفت که هیچ‌کدام از فرایندهای داخلی به‌عنوان منبع رفتار خارجی مورد غفلت واقع نشده است (Rosenau, 1971, 96-97).

روزنا اعتقاد دارد که به این مجموعه می‌توان عوامل دیگری نیز اضافه کرد. این کار چندان دشوار نیست. مهم نشان‌دادن شکل تأثیرگذاری بر فرایند سیاست‌گذاری خارجی است. شناسایی اینکه چه عواملی در سطوح داخلی و خارجی به سیاست خارجی شکل می‌دهد، نشان نمی‌دهد که در چه شرایطی، کدام دسته از عوامل بر دسته دیگر غالب می‌شود. این مسئله‌ای است که به آن توجه لازم نشده است. کمتر کتاب و مقاله‌ای وجود دارد که از توصیف صرف عوامل داخلی فراتر رود و آن‌ها را در فرایند تعامل برای تبیین سیاست خارجی قرار دهد. روزنا دلیل این مسئله را نبود یک نظام فراگیر جامع از تعمیم‌های آزمون‌پذیر می‌داند که با جوامع به‌عنوان کنشگرانی رفتار کند که واکنش‌های بیرونی نشان می‌دهند. این حوزه مطالعاتی نه تنها بدون چارچوب‌ها و رهیافت‌هایی است که فراتر از جوامع خاصی باشد و بتواند اهداف، ابزارها، توانمندی‌ها و منابع سیاست خارجی را مفهوم‌سازی کند؛ بلکه بدون هرگونه طرحی است که بین آن اجزا و رفتار خارجی در یک حالت علی، پیوند برقرار کند (Rosenau, 1971, 96-99).

از نظر روزنا رفتار خارجی کشورها تحت تأثیر پنج عامل است:

۱. فرد: نخستین مجموعه شامل ویژگی‌های منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان می‌شود. کسانی که تصمیم‌گیرنده هستند و سیاست‌ها را اجرا می‌کنند. این متغیر همه جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه‌های سیاست خارجی و یا رفتار او را از دیگر تصمیم‌گیرندگان متمایز می‌کند (Rosenau, 1971, 108). متغیرهای فردی ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات، انگیزه‌ها، برتری‌ها، سبک رهبری و شیوه تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرندگان را شامل می‌شود. ویژگی‌های شخصی و روانی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی به دو دسته ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شوند که در مجموع شخصیت آنان را تشکیل می‌دهند. ویژگی‌هایی چون احتیاط در برابر عجله و بی‌پروایی، دوراندیشی در مقابل عصبانیت، مصلحت‌اندیشی در برابر جزم‌گرایی، تواضع در برابر تکبر و تفاخر، احساس برتری در مقابل احساس حقارت، خلاقیت در برابر تخریب‌گری، اعتماد به نفس بیش از حد در مقابل روان‌پریشی، شجاعت در برابر ترس، قاطعیت در برابر تزلزل، تساهل در برابر تقید و غیره.

این ویژگی‌های فردی سیاست‌گذاران تأثیر انکارناپذیری بر سیاست خارجی دارد. پس وقتی در این چارچوب ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرندگان را به کار می‌بریم به این معنا نیست که سیاست خارجی ایران فقط معلول تصمیم‌گیری تصمیم‌گیرندگان است؛ ولی هر یک از تصمیم‌گیرندگان از نظر جامعه‌پذیری و جایگاه اجتماعی، ویژگی شخصیتی تجربه تاریخی و سیاسی نگاه متفاوتی به سیاست و حکومت دارند که می‌تواند یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سیاست خارجی باشد. البته این به آن معنا نیست که وقتی تصمیم‌گیرندگان در جایگاه تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند، تحت تأثیر عوامل دیگری قرار ندارند. پس سیاست خارجی می‌تواند متأثر از تصمیم‌گیرندگان باشد؛ ولی این متغیر یک دسته از منابع را تشکیل می‌دهد (فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۷۰).

۲. متغیرهای ساختاری یا سیستمیک: این متغیرها شامل جنبه‌های غیر انسانی محیط خارجی جامعه یا هر کنشی است که در خارج روی می‌دهد و گزینه‌های سیاست خارجی تصمیم‌گیرندگان را مشروط می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد. واقعیت‌های جغرافیایی نمونه‌ای آشکار است از متغیرهای سیستمی که می‌تواند به تصمیمات و کنش‌های تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی شکل دهند. آخرین نوع متغیرها، متغیرهای بین‌المللی هستند، البته توجه به این متغیر به معنای پذیرش جبرگرایی ساختاری که معتقد است، سیاست خارجی معلول سیستم و ساختار بین‌المللی است، نیست. بلکه منظور این است که بخشی از عوامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی معطوف به این متغیرهای ساختاری است.

در نظام بین‌الملل، سلسله مراتب غیر دستوری بازیگران بسته به نوع قدرت‌طلبی مطلق و یا نسبی و نیز حوزه فعالیت بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی به پنج رده بهم پیوسته ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه‌ای، قدرت کوچک و ریز قدرت تقسیم می‌شوند. تجربه عملی حاکی از آن است که دستیابی به اهداف این بازیگران به صورت فرایندهای از پایین به بالا میل به استقلال دارد. تحولات رفتار بین‌المللی قدرت کوچک، تحت سه اجبار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. هر چه از پله‌های پایین، بالاتر می‌رویم، از میزان این اجبار کاسته می‌شود. هر چند ابرقدرت‌ها هم از وابستگی درامان نیستند (Rosenau, 1971:56).

۳. متغیر جامعه: این متغیر به آن دسته از جنبه‌های غیرحکومتی جامعه اشاره دارد که به رفتار خارجی تأثیر می‌گذارد. جهت‌گیری‌های ارزشی مهم جامعه و میزان وحدت ملی و میزان صنعتی‌شدن متغیرهایی هستند که در تعیین محتوای آرمان‌ها و سیاست‌های خارجی کشور مشارکت دارند. پس این متغیر ناظر به جامعه ایران فارغ از حکومت است. جامعه ایران از نظر فرهنگی، اجتماعی، ویژگی‌های خاص خود را دارد. برای نمونه جامعه ایران تکثرگرا است و از قومیت‌های گوناگون تشکیل شده است و این

موضوع به سیاست خارجی ایران تأثیر می‌گذارد.

ژئوپلیتیک ایران نیز بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد؛ اینکه ایران کشور بین‌المللی است و در منطقه حساسی قرار گرفته است، به سیاست خارجی اش تأثیر می‌گذارد. بنابراین نمی‌توان سیاست خارجی ایران را فارغ از ژئوپلیتیک و پیشینه تاریخی آن بررسی کرد. ایران کشوری با پیشینه تاریخی چند هزار ساله و تجارب گوناگون است. کشور ایران شاهد شکست‌ها و افتخارات و تحقیرهایی بوده است که در سیاست خارجی کنونی نیز تأثیر می‌گذارد. باید در نظر داشت که کشور به مثابه فرد می‌ماند که تجارب زندگی شخصی اش بر نوع رفتارهایش تأثیر می‌گذارد (فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۹۲).

۴. متغیر نقش: این متغیر بدین معنا است که مسئولان دولتی بدون توجه به ویژگی فردی و انحصاری که در متغیر فرد به آنها اشاره شد، با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند، نسبت به موضوعی از خود واکنش نشان می‌دهند. جایگاه فرد در ساختار حکومتی و وظایف، مسئولیت‌ها و وفاداری‌هایی که براساس این جایگاه از او انتظار می‌رود، بر تصورات فرد از جهان و تصمیم‌گیری‌های او در عرصه سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. به صورت کلی می‌توان نقش را این‌گونه تعبیر کرد؛ تصویری که یک دولت، حکومت و یا یک فرد می‌پندارد که باید براساس آن عمل کند.

نقش به ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که ناشی از مسئولیت‌های سیاست‌گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پرکند، از او نیز رفتار مشابهی انتظار می‌رود. می‌توانیم نقش را تعامل بین فرد و نظام سیاسی بدانیم و انتظاراتی که این نظام از فرد دارد. هرچند نقش ممکن است محدوده عمل فرد را محدود کند؛ ولی چنین نقشی براساس صفات شخصیتی فرد برداشت و ایفا می‌شود. به عبارت دیگر متغیر نقش مربوط به رفتار خارجی است که از نقشی که تصمیم‌گیرنده اشغال می‌کند ناشی می‌شود، بدون توجه به اینکه اشغال‌کنندگان نقش چه ویژگی داشته باشند. پس یک رابطه معکوس بین شخصیت و نقش وجود دارد. نقش به معنای

انتظارات خاصی از هر پست و مقامی است. متغیرهای مربوط به نقش به دو صورت بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند، اول از راه ایجاد محدودیت رفتاری برای تصمیم‌گیرندگان و کاهش گزینه‌های آن‌ها و دوم شکل‌دهی به گرایش‌ها و رفتارهای گروهی و سازمانی خاص و مستمر از راه ایجاد رویه‌های ثابت و مستمر است (فیروزآبادی ۱۳۸۹: ۸۰-۷۶).

۵. متغیرهای حکومتی: به آن جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره می‌کند که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود می‌کند یا افزایش می‌دهد. تأثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه در سیاست خارجی نمونه‌ای از عملیاتی‌شدن متغیر حکومتی است. پس بحث اصلی این است که نوع نظام سیاسی بر سیاست خارجی تأثیرگذار است (Rosenau, 1971, 108) یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر ماهوی و ساختاری و بوروکراتیک چه تأثیری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. پس نظام سیاسی عامل مهمی در تحلیل سیاست خارجی است و تنها عامل تعیین‌کننده نیست (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۳).

البته هدف روزنا از پیش نظریه سیاست خارجی، فقط بیان متغیرهای دخیل نیست؛ بلکه نشان دادن نقش هرکدام از متغیرها در فرایند سیاست خارجی است. به اعتقاد او در کشور های مختلف میزان نفوذ هر یک از عوامل چهارگانه داخلی و عامل محیط بین‌الملل در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی متفاوت است. به نظر وی میزان نفوذ هر یک از این عوامل به پنج عامل بستگی دارد: ۱. قدرت بازیگر که کشورها را به دو دسته بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند؛ ۲. وضعیت اقتصادی بازیگر که کشورهای توسعه‌یافته را از توسعه‌نیافته جدا می‌کند؛ ۳. ماهیت باز و بسته ساختار اجتماعی؛ ۴. نفوذپذیری و یا نفوذناپذیری ساختار فرهنگی و ۵. حوزه‌های موضوعی مختلف (Rosenau, 1971, 96) بنابراین، روزنا بر این باور است که ویژگی‌ها و رفتار هر نظام اجتماعی در هر لحظه‌ای از زمان، نتیجه سنت فرهنگی و محیط‌های متغیر

داخلی و خارجی است؛ به عبارت دیگر، گزینه‌ها و دایره انتخاب و فعالیت تصمیم‌گیرندگان تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی، سوابق و سنت‌های تاریخی، تقاضاها و درخواست‌هایی است که از هر دو نظام داخلی و خارجی ناشی می‌شود (Rosenau, 1971, 14).

به اعتقاد نویسندگان چارچوب روزنا به صورت روشمند این امکان را می‌دهد تا مجموعه‌ای از متغیرها را در سه سطح فردی، ملی و بین‌المللی از مادی و معنایی برای تحلیل سیاست خارجی ایران مورد استفاده قرار دهیم. البته باید توجه داشت که تقسیم کشورها به دو رده مختلف بزرگ و کوچک و توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و یا باز و بسته چندان دقیق نیست و در عالم واقع همواره طیفی از کشورها با شرایط مختلف وجود دارند؛ بنابراین ترتیب اولویت متغیرها را نیز تنها نمی‌توان به نمونه‌های مورد نظر روزنا محدود کرد. به هر حال چارچوب روزنا را می‌توان نوعی لنز مفهومی در نظر گرفت که به مشاهده بهتر واقعیت و تحلیل آن کمک می‌کند. به هر حال پیش از بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت روحانی، بهتر است مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی دولت یازدهم را دقیق‌تر بررسی کنیم تا تفاوت‌های آن با سیاست خارجی دولت گذشته نمایان شود.

اصول سیاست خارجی دولت یازدهم

حسن روحانی بر این باور است که اساس سیاست خارجی باید در راستای تأمین منافع ملی و امنیت ملی ایران باشد و اگر سیاست خارجی بتواند تأمین منافع ملی را تضمین و کشور را در راه توسعه و قرار دهد و به سخن ساده‌تر هزینه‌ها را کاهش و سودها را افزایش دهد، این سیاست خارجی مطلوب خواهد بود. بنابراین بر مبنای حقیقت‌های دنیای کنونی و شرایطی که داریم، باید هزینه‌ها را کم و فایده‌ها را بیفزاییم. سیاست خارجی در چارچوب منافع و امنیت ملی باید تعریف و تدوین شود. اگر بخواهیم گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی را بر اساس اظهارات وی جمع‌بندی

کنیم به این موارد خواهیم رسید:

۱. **اعتدال:** به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت به‌سوی آرمان‌خواهی واقع‌گرایی است. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتار و تعامل سازنده و تفاهم باهدف ارتقای جایگاه کشور است. به ظاهر معنای توازن بین آرمان‌خواهی و واقع‌بینی به معنای کمترشدن تعارض با نظام بین‌الملل است و طبعاً به آن معنا است که ادبیات ایران از تغییرخواهی بنیادین در نظم بین‌المللی، در دولت روحانی به‌سوی پذیرش نظم موجود و لزوم تعامل با آن خواهد بود؛

۲. **قدرت‌جویی بین‌المللی محاسبه‌گرایانه:** مفهوم قدرت یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیمی است که شاید بتوان گفت دانش روابط بین‌الملل براساس آن شکل گرفته است. روحانی به صراحت از این مفهوم و بحث محاسبه قدرت سخن گفته است. از سوی دیگر بدیهی است که تعریف روحانی از قدرت نمی‌تواند همچون واقع‌گرایان سنتی تنها معطوف به قدرت نظامی باشد. بلکه به نظر متفکران متأخر که قدرت را ترکیب توانمندی‌های دولت می‌دانند نزدیک‌تر است؛

۳. **تعامل با نظام بین‌المللی:** برقراری و تقویت مناسبات دوجانبه و چندجانبه در جهت تحکیم امنیت ملی و منافع ملی و اعتدال و ارتقای اقتدار، شأن و موقعیت کشور در منطقه از اصول اساسی سیاست خارجی دولت حسن روحانی بوده است؛

۴. **موزانه قدرت براساس مفهوم اعتدال:** یکی دیگر از مسائلی که دیدگاه روحانی را به واقع‌گرایی در مقابل آرمان‌گرایی نزدیک کرده است، تأکید مستمر وی به مقوله اعتدال است. اعتدال از شعارهای مهم انتخاباتی او و بلکه مهم‌ترین شعار انتخاباتی بود؛

۵. **تنش‌زدایی:** مهار تنش و جلوگیری از بروز تنش‌های غیرضروری در روابط با کشورهای مختلف و خارج‌کردن موضوعات غیرضروری و نامربوط از دستور کار

روابط با اروپا و آمریکا؛

۶. **رویکرد هزینه- فایده:** از سوی دیگر تأکید به مفهوم محاسبه قدرت از منظر تاکتیکی به رویکرد هزینه- فایده شبیه است. این بدان معنا است که در سیاست خارجی دولت روحانی تنها مجبور کردن سایر بازیگران به پذیرش مواضع ایران مهم نیست؛ بلکه هزینه‌ای هم که در این مسیر پرداخت می‌شود نیز مهم است و این می‌تواند یکی از جدی‌ترین تفاوت‌های گفتمان او با گفتمان سیاست خارجی آرمان‌گرا باشد تلاش برای خروج پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای، حذف تحریم‌ها، جلوگیری از افزایش تنش بین رابطه ایران و آمریکا، اولویت قراردادن روابط دوستانه با همه همسایگان، تدبیر در سیاست خارجی، تلاش برای رسیدن به نظر واحد بین دولت و مجلس برای حل مسائل سیاست خارجی، خطا برشمردن اندیشه تقابل با دنیا و پیمودن مسیر تعامل سازنده اصول دیگر او است.

متغیر نظام بین‌الملل و سیاست هسته‌ای روحانی

همواره نظام بین‌الملل نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست خارجی به‌ویژه در میان کشورهای تأثیرپذیرتر و توسعه‌نیافته داشته است. بدون شک با فروپاشی اتحاد شوروی و شکل‌گیری نظام تک‌قطبی، این مجموعه کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده بوده‌اند که هژمونی و قدرت ساختاری را در نظام بین‌الملل را در دست دارند و با روش‌های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به استیلا بر نظام جهانی و مقابله با تهدیدات پرداخته‌اند. بررسی تأثیر نظام بین‌الملل بر شکل‌گیری سیاست خارجی دولت یازدهم حاکی از آن است که مجموعه غرب در سال‌های ریاست جمهوری احمدی نژاد در ایران با بهره‌گیری از انواع فشارها به‌ویژه تحریم‌های بین‌المللی فراگیر تلاش کردند تا سیاست خارجی کشور را در وضعیت تدافعی قرار دهند و سیاست خارجی به مهم‌ترین دستورکار انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ تبدیل شود.

تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را باید یکی از ابزارهای دیپلماسی

اجبار ایالات متحده برای متقاعدسازی کشورهای دانست که به اقتصاد جهانی وابسته شده‌اند؛ اما تمایلی به پذیرش قواعد مربوط به اقتصاد و سیاست جهانی ندارند (کری و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸). طبیعی است که اجرای چنین فرایندی تنها در شرایطی متوقف می‌شود که آمریکا و جهان غرب بتوانند به اهداف راهبردی خود در رابطه با ایران برسند. دیپلماسی اجبار بخشی از واقعیت راهبردی آمریکا برای متقاعد کردن و محدودسازی توان راهبردی جمهوری اسلامی ایران است (Berman, 2012: 42) و فرایند محدودسازی راهبردی و تحریم اقتصادی توسط آمریکا و سایر کشورهای جهان غرب براساس ضرورت‌های ایدئولوژیک، امنیتی و راهبردی نظام جهانی غرب محور انجام می‌گیرد که از ابزارهای اصلی سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران پس از انقلاب اسلامی ایران بوده است. این تحریم‌ها در دهه هشتاد و نود به بهانه حمایت ایران از تروریسم و در جهت مهار و قدرت‌نگرفتن ایران و در جهت تقویت کشورهای همسو با آمریکا عمل کرده بود؛ ولی از سال ۲۰۰۶ شکل و ماهیت تحریم‌های ایالات متحده با تصویب پنج قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل وارد ابعاد گسترده‌تری شد (katzman: 2016).

یکی از ابزارهای مهم برای رسیدن به این هدف سازوکارهای نهادی است که از عوامل مؤثر بر فرایند تحریم اقتصادی ایران است. ایالات متحده آمریکا و کشورهای جهان غرب همچنین برخی از واحدهای سیاسی تلاش می‌کنند تا از الگوهای بهره‌گیرند که مبتنی بر جایگاه و مشروعیت ساختاری آنان باشد. قدرت ساختاری همواره در مقایسه با مؤلفه‌های کنش کارگزاران در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اثر بخشی بیشتری دارد. جهان غرب از قابلیت ساختاری خود برای مقابله با ایران استفاده کرد (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۴۸). مجموعه غرب و به‌ویژه ایالات متحده در حوزه‌های مختلف، قدرت ساختاری قابل توجهی دارد. قدرتی که مهم‌ترین ویژگی آن الیگاپولی بودن است. از همین رو مجموعه غرب در دوران پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه دوران

پس از جنگ سرد از این چهره قدرت به دفعات علیه کشورهای رقیب بهره برده است. ناگفته پیداست که از مهم‌ترین کشورها ایران است. کشوری که در دوران پس از جنگ سرد همواره از سوی قدرت‌های غربی مورد تهدید به استفاده از زور قرار گرفته است؛ اما در عمل قدرت ساختاری غرب مهم‌ترین ابزار به کار گرفته شده علیه این کشور بوده است. قدرت ساختاری به معنای تنظیم دستورکار بین‌المللی و شکل‌دهی به فضایی است که در آن دولت، شرکت‌ها، افراد با یکدیگر مرتبط می‌شوند. غرب با به کارگیری این چهره قدرت، تمام تلاش خود را به کار گرفته است تا ارتباط دولت ایران با سایر دولت‌ها و شرکت‌های ایرانی با سایر شرکت‌ها و شهروندان ایرانی به‌ویژه نخبگان را باهمتایان خود در کشورهای بیشتری دچار محدودیت و اختلال سازد (شریعتی نیا و توحیدی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

ایجاد این محدودیت‌ها مصداق تهدید راهبردی ایالات متحده و جهان غرب ایران است و باید به این نکته توجه کرد که این تحریم‌های اقتصادی، بخشی از تحریم‌های گسترده‌تری است که در حوزه‌های سیاسی، تکنیکی و راهبردی به کار برده شد. این بخش از تحریم در قالب اقدامات فلج‌کننده برای محدود کردن قابلیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است هر یک از اقدامات به کار گرفته شده علیه ایران را می‌توان بخشی از دیپلماسی اجبار در قالب سیاست تحریم مالی، تجاری و تکنولوژیک دانست (kagan2003:72). در اینجا به بخشی از این تحریم‌ها و تبعات آن اشاره می‌کنیم:

۱. توقیف اموال و دارایی‌های افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج از کشور: هم‌زمان با گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران به دستور رییس جمهور وقت آمریکا، اموال بسیاری از ایرانیان در آمریکا توقیف شد. این تحریم‌ها در ژانویه ۱۹۸۴ به بهانه مشارکت ایران در بمب‌گذاری در مقر نیروهای دریایی آمریکا در لبنان و در سال ۱۹۹۲ به بهانه مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی نیز تشدید شد؛

۲. تحریم‌های تجاری، صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری: در ۳۰ آوریل ۱۹۹۵ رییس جمهور وقت آمریکا ممنوعیت گسترده‌ای را برای تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران وضع کرد که در سال ۲۰۱۰ و به دنبال آن در سال ۲۰۱۳ تعدادی از شرکت‌های پتروشیمی و تجاری ایران در صنعت خودرو نیز برای اولین بار به لیست سیاه تحریم اضافه شدند؛

۳. مواد مربوط به انرژی هسته‌ای: کمیته‌ای به نام اعمال تحریم‌های ایران در سال ۱۹۹۶ تشکیل شد تا با به‌کارگرفتن تحریم تجاری بر شرکت‌ها و کشورهای همکار با برنامه هسته‌ای ایران مانع پیش برد برنامه هسته‌ای ایران شود که در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما با شدت بیشتری دنبال شد؛

۴. تحریم‌های مالی: سازمان خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۰۶ تحریم‌های گسترده مالی را علیه ایران وضع کرد که نقل و انتقال بیش از ۱۰۰ دلار بین سازمان‌ها را با مشکل مواجه می‌کرد. در نوامبر ۲۰۱۱ ایالات متحده کل نظام بانکی و بانک مرکزی ایران را تحریم کرد. در همین رابطه تحریم‌های مالی در آیین‌نامه اجرایی دیگری در ژوئن ۲۰۱۳ و با هدف تضعیف ریال صورت پذیرفت که به بانک‌های خارجی که با ریال تجارت کنند یا از آن نگهداری کنند جریمه‌های سنگینی تعلق خواهد گرفت؛

۵. تحریم دارایی‌ها: به دنبال حمله تروریستی به نیویورک و واشنگتن در سال ۲۰۰۱ توقیف تمام دارایی‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که مربوط به کشورهای حامی تروریسم بودند در دستور کار ایالات متحده قرار گرفت. در سال‌های بعد (۲۰۰۵، ۲۰۰۷، ۲۰۱۱) نیز افراد و سازمان‌های دیگری تحریم شدند؛

۶. تحریم‌های بین‌المللی: اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های سختی را علیه ایران وضع کردند. در اول جولای ۲۰۱۲ منع واردات نفت از ایران، صادرات نفت ایران را ۱/۲۵ میلیون بشکه نسبت به سال ۲۰۱۱ کاهش داد. در مه ۲۰۱۳ هفتصد هزار بشکه دیگر در صادرات نفت کاهش یافت. در ژوئن ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا تحریم‌های مشابه

تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری کنگره آمریکا در بخش انرژی بر ایران تحمیل کرد که سازمان‌ها و بنگاه‌های اروپایی را نیز از فعالیت تجاری با ایران منع کرد. همچنین اتحادیه اروپا نیز لیستی از افراد، بانک‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های ایرانی را مورد تحریم قرارداد. شورای امنیت نیز از سال ۲۰۰۶ وضع تحریم‌ها بر ایران را آغاز کرد. در دسامبر همان سال صادرات تمام تکنولوژی‌ها و تجهیزات مرتبط با انرژی هسته‌ای به ایران و مسافرت چندین فرد و مسئولین سازمان‌های ایرانی به کشورهای خارجی نیز ممنوع اعلام شد (فدایی و درخشان، ۱۳۹۴: ۱۲۲). این جدول‌ها به خوبی گسترش دایره تحریم‌های به‌کار گرفته شده علیه ایران در حوزه‌های مختلف را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱). تحریم‌های مالی اعمال شده علیه ایران ۲۰۱۳-۱۹۷۹ (Katzman, 2013)

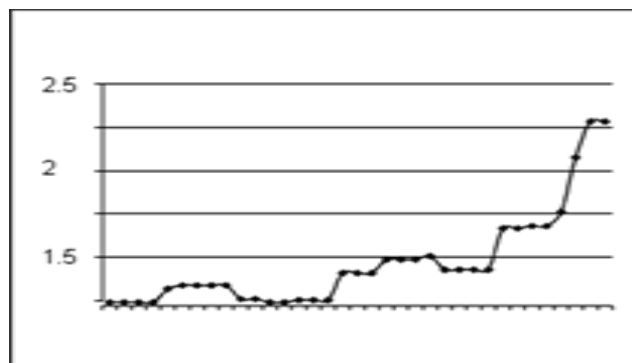
سال	نوع و گستره تحریم مالی
۱۹۷۹	مسئود کردن دارایی‌های ایران در آمریکا به ارزش ۱۲ میلیارد دلار در بانک‌های آمریکا
۲۰۰۷	قطعه‌نامه ۱۸۰۳ شورای امنیت: «تعمیر نظارت تمامی کشورها بر مبادلات مالی با ایران، به‌ویژه از طریق بانک‌های ملی و صادرات، بازرسی هواپیماها و کشتی‌های ایرانی و کشتی‌هایی که مقصدشان ایران است»
۲۰۰۷	قطعه‌نامه ۱۷۴۷ شورای امنیت: «ممنوعیت ارائه وام‌های جدید به ایران، تحریم طیفی از شرکت‌ها و مقامات ایرانی»
۲۰۰۷	توسعه تحریم‌ها از سوی ایالات متحده، تسری تحریم‌ها به شرکت‌های مالی سپاه و سه بانک ملی، صادرات و ملت
۲۰۰۸	تحریم مالی اتحادیه اروپا: «توقف فعالیت و توقیف دارایی‌های بانک ملی ایران در کشورهای عضو اتحادیه اروپا»
۲۰۱۱	تحریم‌های دوجانبه آمریکا، کانادا و بریتانیا: «بریتانیا تمامی مؤسسات مالی این کشور را از انجام هرگونه تعامل تجاری و مالی با ایران منع کرد» (۲)
۲۰۱۰	قطعه‌نامه ۱۹۲۹: «ممنوعیت استفاده از نظام مالی بین‌المللی برای توسعه برنامه هسته‌ای»
۲۰۱۱	قراردادن بانک صنعت و معدن در لیست تحریم‌ها از سوی آمریکا
۲۰۱۲	تحریم بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا
۲۰۱۲	ایالات متحده بانک‌ها را در نقاط مختلف جهان از انتقال پول نفت به ایران برحذر داشت و تنها هفت کشور را به شرط کاهش خرید نفت از ایران از این تحریم‌ها معاف کرد
۲۰۱۲	در قالب مصوبه اتحادیه اروپا هرگونه تعامل با بانک‌ها و مؤسسات مالی ایران ممنوع شد (۳)
۲۰۱۳	تحریم آمریکا علیه مؤسسات مالی کشورهای مختلف که خرید و فروش ریال را تسهیل می‌کنند و یا در حساب‌های خود مقادیر بالایی ریال دارند

جدول شماره (۲). تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در حوزه‌های سرمایه و فناوری (Katzman, 2013: 10-13)

۱۹۹۵- ممنوعیت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران به دستور بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا
۱۹۹۵- ممنوعیت رابطه تجاری آمریکا با ایران و ممنوعیت هرگونه سرمایه‌گذاری در این کشور از سوی بیل کلینتون
۱۹۹۶- تصویب قانون تحریم ایران و لیبی در کنگره آمریکا که براساس آن هر شرکت خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کند، مورد تحریم قرار خواهد گرفت
۲۰۰۶- صدور قطعنامه ۱۷۳۷: ممنوعیت صادرات کالا و فناوری مورد استفاده در صنعت هسته‌ای به ایران و مسدودکردن سرمایه‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران
۲۰۱۰- اتحادیه اروپا ممنوعیت سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های ایرانی فعال در صنعت نفت و گاز، ممنوعیت فروش، عرضه و انتقال فناوری‌ها و دستگاه‌های دارای کاربرد در صنعت استخراج گاز را به تصویب رساند
۲۰۱۱- تحریم‌های دوجانبه آمریکا، کانادا و بریتانیا -گسترش تحریم‌های آمریکا به شرکت‌هایی که در صنعت نفت و پتروشیمی به ایران کمک می‌کنند، بریتانیا تمامی مؤسسات مالی این کشور را از انجام هرگونه تعامل تجاری و مالی با ایران منع کرد
۲۰۱۲- اتحادیه اروپا واردات نفت از ایران را ممنوع کرد و تحریم‌های شدیدتری را بر بخش‌های بانکی، انرژی و تجارت ایران اعمال کرد. در این قالب، هرگونه تعامل با بانک‌ها و مؤسسات مالی ایران ممنوع شد و صنعت گاز ایران نیز تحریم شد
۲۰۱۲- تحریم شرکت‌هایی که به بیمه نفتکش‌های شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی نفتکش ایران مبادرت ورزند
۲۰۱۳- تحریم فروش، تهیه و ارسال کالا و خدمات مربوط به صنعت خودروسازی و یا سوارکردن قطعات خودرو در ایران از سوی ایالات متحده
۲۰۱۳- تحریم هشت شرکت پتروشیمی ایران از سوی ایالات متحده

(شریعتی‌نیا و توحیدی، ۱۳۹۲: ۱۴۱)

شدت تحریم در بازه زمانی ۲۰۱۳-۱۹۷۹



اولویت بندی اهمیت تحریم‌ها



Inconsistency = 0.08
with 0 missing judgments.

فدایی و درخشانی، ۱۳۹۴:۱۲۳

شاخص‌هایی از اقتصاد ایران ۱۳۹۳-۱۳۸۷ (۲۰۱۴-۲۰۰۶)

شاخص	1387	1388	1389	1390	1391	1392	1393
نرخ بیکار (آمار دولتی)	10.4	11.9	13.5	12.3	12.2	12.7	12.6
نرخ بیکار (آمار غیررسمی)	14.6	14.6	17	19	20.6	۰.۸۳۳	19.2
نرخ تورم (آمار رسمی)	25.4	10.7	12.4	21.5	31.5	28.3	25.8
نرخ تورم (آمار غیررسمی)	27.2	20.5	19.2	26.9	35.8	۰.۷۴۲	34.1
حجم چک‌های برگشتی به میلیارد تومان	20.942	23.407	27.891	28.492	32.171	۰.۲۶۵۹۳	38.318
تولید نفت خام (میلیون بشکه) در روز	3.94	3.55	3.53	3.52	2.85	1.8	2.77
صادرات نفت خام (میلیون بشکه)	2.30	2.02	2	2	1.1	800	1.20
رشد بودجه عمومی به درصد	35.7	3.1	31.3	33.5	4.7	7.2	2.4
رشد بودجه	21.2	-2.1	27	40.6	22	23.9	6.7
نرخ دلار	967	997	1.060	1.534	2.504	4.242	4.076
نرخ سکه	231	246	349	661	923	1.163	1.341

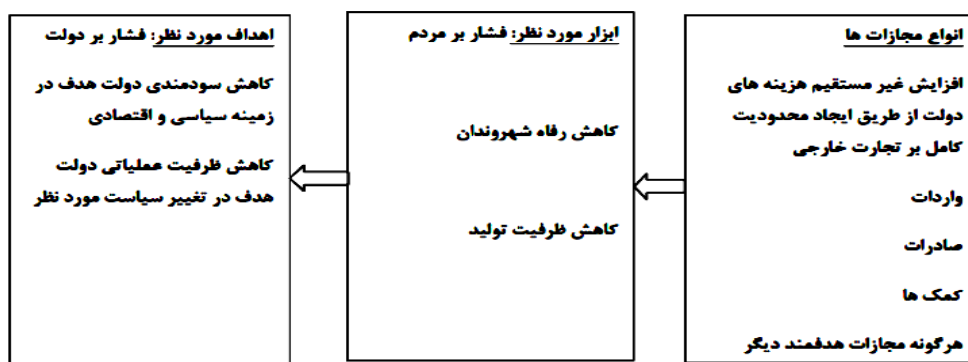
(مختاری هشی ۱۳۹۴: ۱۶۳)

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که اگرچه در ظاهر میزان این فشارها به اندازه جنگ نبوده است؛ ولی آثار زیان‌بار آن حتی می‌تواند از جنگ نیز فراتر رود؛ زیرا همه عوامل قدرت ملی از اقتصاد و محیط زیست، سیاست، علوم و فناوری، اجتماع، فرهنگ و بخش‌های نظامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشور را به‌صورت هدفمند تحلیل می‌برد و سیستم دچار آنتروپی می‌شود؛ به‌شکلی که با بحران عملکرد مواجه و از قدرت فعالیت آن به‌صورت مستمر کاسته می‌شود و در معرض خطر فروپاشی قرار بگیرد. کشورهایی که روابطشان با سایر عناصر سیستم محدود می‌شود با کاهش رشد مواجه شده و سطوح بالای بی‌نظمی را تجربه می‌کنند. رشد اقتصادی، میزان تورم، ارزش پول ملی، بازپرداخت دیون، درصد تحقیقات و توسعه معیار اندازه‌گیری آنتروپی هستند (مختاری، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

در کل آثار این تحریم‌ها در دوره‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت نمود پیدا کردند. آثار این تحریم در کوتاه‌مدت در پاره‌ای از موارد سبب فشار بر سیستم مالی ایران شده است و هزینه‌های معاملاتی و در نهایت قیمت‌ها را افزایش داده است. در مورد اثرات میان‌مدت این تحریم‌ها می‌توان به کاهش سرمایه‌گذاری، کندی رشد و افزایش تورم اشاره کرد. در این راستا ایران در پاره‌ای از موارد شاهد کاهش حجم واردات و صادرات و ذخایر ارزی بوده است. در مورد اثرات بلندمدت به نظر می‌رسد که وجود تحریم‌های اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری به‌عنوان مهم‌ترین عامل رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی شده است که دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز را سخت‌تر می‌کند. پس همان‌گونه که از شواهد پیدا است، تبدیل تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی آمریکا به تحریم‌های چندجانبه سازمان ملل ایران را وارد مرحله جدیدی کرد که هم از نظر سیاسی و دیپلماسی و هم از نظر اقتصادی مسئله است. نتایج نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای را از نظر کمی و کیفی متأثر کرده است که به‌دنبال خود کاهش کمی کاهش تولید و بیکاری را به

همراه داشته است.

شایان توجه اینکه افزون بر آثار ملموس تحریم‌ها بر اقتصاد ایران که قابل استناد سنجش و اندازه‌گیری است در مواردی نیز به‌ویژه وقتی با مسائل اجتماعی، علمی، فرهنگی و نظایر آن گره می‌خورد، سنجش چندان آسان نیست و به‌علت پیوستگی این مسائل به یکدیگر اختلال در یک حوزه در حوزه‌های دیگر هم تسری پیدا خواهد کرد. تأثیر عمیق تحریم‌ها بر همه مسائل کشور و به‌وجود آمدن بحران از سوی سیاست‌مداران در دولت یازدهم درک و در جهت رفع این مشکل در یک دوره زمانی اقدام شد. درک وجود بحران و تأثیرگذاری مخرب تحریم‌ها بر تمام مسائل کشور و حرکت در جهت رفع تحریم‌ها بر جهت‌گذاری سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم بسیار مؤثر بوده است.



فشار عوامل محیطی که در تحریم‌های گسترده متجلی شد، سبب فشار زیادی به سیاست‌مداران ایرانی شد و پررنگ‌ترین نقش را در شکل‌گیری توافق هسته‌ای ایفا کرد. تأکید تصمیم‌گیران ایرانی بر لزوم رفع همه تحریم‌ها دلیل این مدعا است. دولت اوپاما با بهره‌گیری از اجماع بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی فشار بسیار زیاد و بی‌سابقه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته است که میزان تأثیرگذاری و کارآمدی آن بسیار بیشتر از سیاست‌های رییس جمهور پیشین آمریکا جرج بوش بوده است. تصویب

چندین قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت و شکل‌گیری ساختار هوشمندی از تحریم‌ها که توسط مجموعه گسترده‌ای از کشورها دنبال و رعایت شد، در عمل سبب بحران عمیق در اقتصاد ایران شد که خود در بالارفتن نرخ ارز و طلا در زمستان ۱۳۹۱ نمود یافت و حتی نارضایتی‌ها و ناآرامی‌هایی را در بازار رقم زد. فشار بین‌المللی به گونه‌ای بوده که حتی در دولت دهم هم رگه‌هایی از مذاکره با آمریکا ملاحظه و حتی برخی گفت‌وگوهای محرمانه در عمان نیز انجام گرفت. با این حال تصمیم مردم در انتخاب ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و تیم جدید در سیاست خارجی ایران در عمل زمینه تغییر نرم در سیاست خارجی ایران را فراهم آورد.

متغیر فرد (اندیشه‌ها و شخصیت رئیس جمهور)

مؤلفه پراهمیت دیگری که در رابطه با دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم نیازمند واکاوی است، فرد یعنی اندیشه‌ها و شخصیت رییس جمهور و در مقیاسی پایین‌تر تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای است. پیشینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های گذشته نشان داده است که شخصیت و اندیشه رییس جمهور نقشی اساسی در تعریف، تدوین و تداوم سیاست خارجی آن دولت داشته است. از این‌رو گفتمان اعتدال‌گرایی حاکم بر سیاست خارجی دولت یازدهم پیش از آنکه ساختار معنایی مشخص داشته باشد، برخاسته از تفکر و ذهنیت رییس جمهور است که نقش تعیین‌کننده در دوام و قوام آن دارد (فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۳۶). حسن روحانی در چارچوب گفتمان‌ها و هنجارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانست شخصیتی از خود به جهان عرضه کند که ترکیبی از صداقت و بیان قابل فهم بین‌المللی را در خود داشت. جهان به حرف‌های روحانی به‌عنوان یک سیاست‌مدار صادق نگرست. به علاوه او نیز با زبانی با جهان سخن گفت که برای جهانیان قابل درک و فهم و احترام بود. در عین حالی که روحانی بومی سخن می‌گفت، ولی در چارچوبی جهانی حرکت می‌کرد. قدرت تلفیق ارزش‌های انقلابی و بومی با معیارهای بین‌المللی همراه با آشنایی وی با

حساسیت‌های فکری جهان برای او فضایی را به وجود آورد که نظرات او با احترام مورد توجه جهانیان قرار گیرد. به عبارت دیگر رییس جمهور در گفتار و رفتار نشان داد که شخصیتی واقع بین و آرمانگرا است که قائل به پیگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی بر مبنای شناخت واقعیت‌ها و امکانات ملی است.

از سوی دیگر او هم لباس روحانیت به تن دارد و هم عضو مجلس خبرگان رهبری است. عضویت وی در این مجلس و پایگاه روحانی در نظام جمهوری اسلامی ایران سبب می‌شود که متغیر فردی تأثیر بیشتری داشته باشد. از دیگر وجوه قدرتمندی متغیر فردی روحانی این است که او در فضایی وارد عمل می‌شود که پیشینه کار سیاسی و امنیتی در ارتباط با پرونده هسته‌ای دارد. او مذاکره‌کننده ارشد بوده و در سطحی بسیار بالا با وزیران کشورهای اروپایی در زمینه پرونده هسته‌ای ایران مذاکره کرده است و به عنوان شخصیتی متین و موقر مورد شناسایی آنان قرار گرفته است. در اینجا تلاش می‌کنیم از لابه‌لای سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های حسن روحانی به شخصیت و اندیشه‌های او در پیشبرد دیپلماسی هسته‌ای پی ببریم.

روحانی درباره هدف ورودش به انتخابات ریاست جمهوری گفته بود: برای اینکه به اهداف ملی دست پیدا کنیم و برای اینکه کشور را از تحریم ظالمانه نجات دهیم و برای اینکه روابطمان را با دنیا براساس تعامل سازنده بنیانگذاری کنیم در این عرصه ورود کرده‌ایم. روحانی اعتقاد دارد قطع رابطه با کشورهای دیگر امکان‌پذیر نیست، قطع رابطه نه شدنی است و نه امکان‌پذیر است که انزوا حاصل شود و نمی‌توان کشور را از جهان جدا کرد. کلید حل مشکلات تدبیر است (سخنرانی روحانی ۱۳۹۲/۳/۱۴).

روحانی در نشست خبری خود همچنین گفت: دوره توقف غنی‌سازی سپری شده است. اینک در شرایط ویژه‌ای هستیم. شیوه‌های اعتمادساز زیادی موجود است. وی اظهار داشت: موضوع هسته‌ای فقط راه حل مذاکراتی دارد و بس. نه تهدید مؤثر است نه تحریم. وی اضافه کرد احقاق حقوق حقه ملت ایران از مهم‌ترین امور است. حسن

روحانی گفت: دو راه حل برای رفع تحریم‌ها موجود است یکی قدم گذاشتن در مسیر شفافیت بیشتر و افزایش اعتماد متقابل. وی همچنین گفت تلاش می‌کنیم تا تحریم دیگری روی ندهد. رئیس جمهوری ایران درباره تحریم‌های غرب علیه ایران تأکید کرده است که این تحریم‌ها به سود هیچکس نیست. در پرونده هسته‌ای من به دنبال اجماع ملی خواهم بود و دولت با تمام قدرت از تیم مذاکره‌کننده پشتیبانی و اجماع ملی را به دست خواهد آورد. زیرا مسئله بسیار حساس است و مسئله منافع ملی است و کوشش ما بر این است که فناوری هسته‌ای را تکمیل و حفظ کنیم. باید تلاش کرد تا ضمن حفظ فناوری هسته‌ای، در سیاست خارجی هزینه‌ها را کاهش دهیم و بتوانیم از مشکلاتی که بیگانگان به بهانه هسته‌ای به وجود آورده‌اند عبور کنیم (مصاحبه روحانی ۱۳۹۲/۰۲/۱۴).

با توجه به اینکه او پرونده هسته‌ای را در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ در دست داشته است به مسائل هسته‌ای آگاهی دارد. روحانی می‌گوید: افرادی که بار امانت سیاست خارجی را بر دوش می‌گیرند باید افرادی حرفه‌ای، با کار دقیق کارشناسی، روی گشاده و شهامت باشند. باید در بیان منافع ملی مان با کمال شهامت حرف بزنیم و با کسی تعارف نداریم، ولی سخن باید عادلانه، دقیق و منطقی باشد. این عرصه جای شعر و شعار نیست، جای فهم درست مسائل و وقایع جهانی است. اگر نتوانیم به درستی درک کنیم و نتوانیم در تصمیم‌سازی و دیگر مسائل مرتبط با آن موفق باشیم در اجرا نیز موفق نخواهیم بود. اگر ملت احساس کند که ما با تدبیر کار می‌کنیم حتی اگر دنیا هم بخواهد زور بگوید تمام ملت پشت سر ما خواهد بود. اگر شعار بدهیم و بی‌منطق حرکت کنیم و نحوه سلوک ما به گونه‌ای باشد که مردم احساس کنند که ما دقیق عمل نکردیم اجماع ملی ایجاد نمی‌شود (روحانی در مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۰۶/۱۳). حسن روحانی می‌گوید: سیاست خارجی ما در چارچوب اصول خاصی است، ما در منطقه خواستار ثبات و صلح و از بین رفتن زمینه‌های جنگ هستیم. روابط ایران براساس منافع ملی و منافع ملت‌های مختلف با بازیگران بین‌الملل از جمله غرب تنظیم می‌شود (روحانی در نشست خبری نیویورک ۱۳۹۲/۷/۵).

سیاست روحانی در مسئله هسته‌ای ایران، تلاش برای خروج پرونده ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای در کشور است. او می‌گوید: هم برای ایران و هم برای دشمنان و کشورهای غربی تنها روش، گفت‌وگو است. مقصود دولت باید در نهایت این باشد که تحریم‌ها زدوده شود؛ زیرا که به سود ملت ما نیست. اینکه در کدام نشست و به چه شکل موضوع لغو تحریم‌ها را مطرح کنیم، یک تاکتیک مذاکره‌ای است (روحانی ۱۳۹۲/۰۹/۱۶). باید مقداری راهکارها و لحن و ادبیات‌مان تغییر کند. ضمن اینکه به نظم جهانی انتقاداتی دارم؛ اما به معنی تقابل با دنیا هم نیست. باید به‌نوعی با دنیا در تعامل باشیم که هزینه‌هایمان را کاهش دهیم و خود را به مقاصدی که در سند چشم‌انداز است نزدیک کنیم. اگر غرب حقیقتاً به دنبال اعتماد نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است روشی جز مذاکره ندارد و ما هم برای رسیدن به حقوقمان و شکستن تحریم‌ها و گذر از مسیری که اکنون دشمن برای ما به وجود آورده است مذاکره بهترین روش است. در جهان سیاست خارجی نیاز است به دنبال یارگیری باشیم. در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سی و پنج کشور وجود دارد که باید از میان آنها یارگیری کنیم تا به مقصودمان برسیم.

حسن روحانی گفته است: باید اسلوبی را برگزینیم که ایران را به هدفش برساند نه راهی که تکبیرآفرین باشد. یکی از مجال‌هایی که برای آمریکایی‌ها موجود است در صحنه ۱+۵ است. اگر آن‌ها می‌خواهند که در مورد پرونده هسته‌ای سخن بگویند مذاکرات فرصت مناسبی است؛ اما اینکه آمریکا به جلسات می‌آید و سخت‌گیری و مقاومت نابجا می‌کند فرصتی است که از دست می‌رود. ما با بمب هسته‌ای مخالفیم به این دلیل که دین ما و اخلاق ما به ما می‌گوید سلاح کشتار جمعی و از جمله سلاح هسته‌ای غیرانسانی و برای بشریت خطرناک هستند. ما هرگز دنبال سلاح هسته‌ای نبوده، نیستیم و نخواهیم بود. ما فقط دنبال فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خواهیم بود و بنابراین در این زمینه می‌خواهیم همه جهانیان بدانند که سلاح هسته‌ای در دکتورین ما

جایی ندارد و نخواهد داشت (وبگاه حسن روحانی ۱۳۹۲/۴/۱۱).

وی می‌گوید قسمتی از تحریم‌ها که مربوط به آمریکا است از گذشته بوده و ما با آن مقابله کرده‌ایم، اما در سال‌های اخیر دو مشکل روی داده است، بخشی مربوط به تحریم در شورای امنیت سازمان ملل است که این بی‌سابقه بوده است چون تحریم‌های قبلی تحریم سازمان مللی نبوده، مشکل دیگر این است که ما همواره تلاش می‌کردیم تا فاصله‌ای میان اتحادیه اروپا و آمریکا باشد و در پرونده هسته‌ای هم این فاصله را ایجاد کرده بودیم. این مسئله وابسته به هنر دیپلماسی و دولت‌مردان و مسئولان است که نگذارند اجماع بر ضد یک کشور ایجاد شود، به علت ایجاد این اجماع مشکل کنونی برای ایران ایجاد شده است ما باید از راهی که دشمن استفاده کرد بهره ببریم و برگردیم و با کوشش و فعالیت و مذاکره جدی بتوانیم کاری کنیم که این اجماع را بشکنیم. این کار یک شبه امکان‌پذیر نیست؛ اما به دلیل تجربه فراوانی که دارم می‌دانم شدنی است. این کار با یک نشست جدی ممکن است، گفت‌وگو به معنای اعلام مواضع نیست، بلکه به این معنا است که موضوعی مورد ارزیابی قرار گیرد و دو سوی مذاکره وارد بحث شوند. در گفت‌وگو باید پل زده شود تا به نقطه مشترک برسیم. موضوع تحریم در میان مدت ونه در کوتاه‌مدت قابل رفع است.

روحانی می‌گوید «حتماً حق هسته‌ای حق مسلم مردم ما است؛ کما اینکه صدها حق دیگر حق مسلم مردم ما است. توسعه کشور هم حق مسلم مردم ما است. بهبود زندگی هم حق مسلم مردم ما است. ایستادگی در برابر تحریم و رفع تحریم هم حق مسلم مردم ما است. رابطه خوب با دنیا هم حق مسلم مردم ما است. عزت و سربلندی کشور و مردم هم حق مسلم مردم ما است. به همه حقوق مسلم کشور باید توجه کنیم و احترام بگذاریم و از جمله حق هسته‌ای که آن هم حق مسلم است. پس هسته‌ای برای چه است برای توسعه است، هسته‌ای برای عظمت کشور است. حواسمان باشد که چگونه رفتار می‌کنیم. دولت من با کمترین هزینه این حق را تثبیت می‌کند و پیش

می‌برد. مهم این است که چه مقدار هزینه برای چه کاری ما پرداخت کنیم. مهم این است که در کنار همه فناوری‌ها، سانتریفوژ ما می‌چرخد. در کنار چرخش کل کشور، کارخانه‌ها، صنعت، زندگی مردم، حیات مردم، نشاط مردم با کمترین هزینه و این حتماً در دولت تدبیر و امید دنبال خواهد شد (مصاحبه روحانی درمبارزات انتخاباتی ۱۳۹۲/۳/۱۹).

در کل بسیاری از تهدیدها با انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری برطرف و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل به جایگاهی جدید در افکار عمومی تبدیل شد و جهانیان با دیدگاهی دیگر نسبت به ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران نگاه کردند. همچنین باید به اندیشه‌ها و سوابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای به ویژه محمدجواد ظریف نیز توجه داشت. تیم هسته‌ای دولت از مجرب‌ترین نیروهای وزارت خارجه بوده که برخلاف دولت نهم و دهم تجربه بالایی در مذاکرات بین‌المللی و دیپلماسی داشته‌اند. بدون شک تجربیات و باورها و سوابق این مجموعه نیز نقش زیادی در توافق هسته‌ای داشته که باید مورد توجه قرار گیرد. به صورت کلی در سیاست خارجی دولت روحانی ضمن توجه به حقوق ایران تلاش شد تا با منطق و استدلال و تعامل سازنده با دنیا شرایطی را به وجود آورد تا بهانه‌هایی که غرب برای تحریم ایران دنبال می‌کند را از دست آن‌ها بگیرد و تلاش می‌شود که فشار نابجا، نابحق و غیر قانونی که علیه ملت ایران به انجام رسیده از ملت دور شود. در واقع می‌توان استدلال کرد که فشار محیطی بالایی که بر جمهوری اسلامی به کار گرفته شد هم‌زمان با قدرت‌گیری فردی شد که سیاست خارجی را عرصه تعامل و سازش می‌دانست و در سال‌های گذشته تجربه مصالحه با غرب در موضوع هسته‌ای را داشت. این عوامل در کنار هم زمینه مساعدی را برای تغییر در سیاست خارجی ایران مهیا کرد.

متغیر جامعه: جامعه در هر کشوری و با توجه به معیارها و موقعیتش در منطقه و جهان یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مهره‌های تأثیرگذار در تشکیل کشور و ایجاد

مشروعیت برای نظام سیاسی است. از آنجا که افکار عمومی از مهم‌ترین معیارهای تأثیرگذار در روند تصمیم‌گیری در عرصه‌های مهم سیاسی بوده و هست در این بین نیز از نظر پشتیبانی و یا عدم پشتیبانی که همین ملت از سیاست‌های حاکمان وقت خود دارند چه در سیاست داخلی و چه در سیاست بین‌الملل دارد جایگاه ویژه‌ای دارد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۵).

در همین راستا انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و نتیجه آن به‌عنوان یک پدیده مهم در ایران و جهان قابل توجه بود. تغییرات نسلی و آموزشی، جنسیتی و شهرنشینی و مشارکت ایرانی‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی خود به ایران جایگاهی جدید در منظر صاحب‌نظران بین‌المللی بخشیده است. به نظر می‌رسد که حضور عامه مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ حاوی پیام‌های روشن، بهبود معیشت، آرامش اجتماعی و تعامل بین‌المللی بوده - که ناظر به مسائل عینی و واقعی مردم است - از سوی مردم برای حاکمان خویش بود. در این انتخابات حتی در روستاهای دورافتاده مردم مباحث انتزاعی را کنار زدند و به تمایلات ملموس که زندگی آن‌ها تحت تأثیر آن است رای دادند (سریع القلم، ۱۳۹۲: ۲۰). این پیام روشن از سوی دولت‌مردان دریافت و راه حل خروج کشور از بحران و برطرف کردن سه خواسته اصلی مردم را تعامل مثبت و سازنده با دنیا و رفع تحریم‌های فلج‌کننده و بهبود وضعیت اقتصادی بوده است.

باید توجه داشت که در این سطح از تحلیل نیز در بررسی سیاست هسته‌ای دولت یازدهم باید به جهت‌گیری‌های مردم نسبت به موضوع هسته‌ای توجه داشت. اینکه افکار عمومی بر حقوق کامل خود در زمینه هسته‌ای و رویکرد تهاجمی پافشاری کنند و در این راه هر هزینه‌ای را بپذیرند و یا برعکس خواستار سازش با غرب و لغو تحریم‌ها شوند، بسیار با اهمیت است. به نظر می‌رسد که حمایت مردم از روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ کاملاً جهت‌گیری اکثریت مردم را نمایان کرد. در این راستا تأکید روحانی بر اینکه ما نمی‌خواهیم سانتریفیوژها بچرخد و کل مملکت و تولید و صنایع

کشور بخوابد و در نهایت حمایت مردم از این سیاست که منجر به پیروزی روحانی در مرحله اول انتخابات شد را باید مورد توجه قرار داد.

متغیر نقش: مجموعه چهارم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی، از نقشی که تصمیم گیرنده بازی می کند ناشی می شود. بدون توجه به ویژگی های شخصیتی ایفاکنندگان نقش، درحقیقت متغیرهای وابسته به نقش تأثیرگذاری پست و مسئولیت بر رفتار صاحب منصبان و مسئولان است که به صورت شرح مشاغل و مسئولیت ها یا قواعد رفتاری مورد انتظار از آنان تعریف می شود. متغیرهای مربوطه به نقش به دو صورت بر سیاست خارجی تأثیر می گذارد اول از راه ایجاد محدودیت رفتاری برای تصمیم گیرندگان و کاهش گزینه های آنان و دوم شکل دهی به گرایشات و رفتارهای گروهی و سازمانی خاص و مستمر از راه ایجاد رویه های ثابت و مستمر. البته اهمیت و جایگاه متغیرهای وابسته به نقش ها و تأثیرگذاری آن ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به معنای تعیین کنندگی انحصاری این عوامل نیست همان گونه که افراد به تنهایی به سیاست خارجی کشور شکل نمی دهند پست ها و نقش ها نیز تنها منبع آن نیستند؛ زیرا منابع فردی و نقش گرایانه یکدیگر را کنترل و تعدیل می کنند. به عبارت دیگر بین این دو دسته از متغیرها ارتباط معکوس برقرار است؛ یعنی هر چه تأثیرگذاری افراد بیشتر باشد، از تأثیرگذاری نقش کاسته و حدود مسئولیت کاسته می شود؛ برعکس به هر اندازه که قدرت و ویژگی های شخصیتی کمتر باشد، میزان و سطح تأثیرگذاری نقش پررنگ تر خواهد بود.

جایگاهی که روحانی به عنوان رئیس جمهور در اختیار دارد، بعد از رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور است. بنابر اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که به شکل مستقیم به رهبری مربوط می شود را بر عهده دارد. بنابراین برنامه ها و سیاست ها و تصمیمات او در جهت دهی به سیاست

خارجی ایران نقش اساسی دارد. باید به این نکته توجه داشت که تصمیم‌گیران سیاست خارجی از جمله روحانی رئیس‌جمهور نیز تحت تأثیر رفتارهای تجویز شده اجتماعی و سیاسی و هنجارهای حقوقی ناشی از پست‌ها و مسئولیت‌هایی که متصدی آن هستند قرار دارند. در حقیقت سیاست‌گذاران صرف نظر از شخصیت روانی و ویژگی‌های فردی که دارند، هنگامی که عهده‌دار نقش خاصی مانند ریاست جمهوری می‌شوند، باید خود را با الزامات و شرایط خاص نقش و مسئولیت خود منطبق و متناسب با آن عمل کنند.

بر اساس این منطق که نقش مسئول را می‌سازد، رفتار تصمیم‌گیرنده بیش از ویژگی‌های شخصیتی او متأثر از الزامات مسئولیتی است که پذیرفته است. از آنجا که اصول و آرمان‌های کانونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مانند نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی تداوم و استمرار دارند، سیاست‌گذاران ملزم و مقید هستند که در دیپلماسی جدید هسته‌ای خود آن‌ها را رعایت کنند. در نتیجه روحانی نیز به‌عنوان رئیس‌جمهور از این امر مستثنی نبوده و در انتخاب گزینه‌ها و به‌کارگرفتن سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی - برای نمونه مسئله هسته‌ای - از آزادی عمل نامحدود ندارد و باید در چارچوب برخاسته از نقش خود حرکت کند (فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۱۰۱). پس به‌صورت کلی می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر سبک رهبری، شخصیت، تجربه سیاسی و اجتماعی، استعداد و سلیقه متمایز رهبران بر سیاست خارجی به‌وسیله ضرورت‌های شغلی و مسئولیتی آن‌ها از جمله در دیپلماسی هسته‌ای محدود و تعدیل شده است.

ساختارهای حکومتی: ویژگی‌های ساختاری و شکل حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز نقش تعیین‌کننده در سیاست خارجی کشور دارد. با توجه به دو نوع مردم‌سالاری ریاستی و پارلمانی، ایران نظامی نیمه پارلمانی، نیمه ریاستی است. پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر اعمال قوه مجریه به‌صورت دو رکنی درآمده است؛ یعنی بخشی از قوه مجریه در دست مقام

رهبری و بخشی دیگر در دست رئیس‌جمهور و وزراء است. اصلاحات قانون اساسی در آن سال اختیارات رییس‌جمهور را افزایش داد و با توجه به ماهیت نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی و دو رکنی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی دارد. افزون بر این، شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نهادهای تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری خارجی هستند. این عوامل به همراه نظام تفکیک قوا و تقسیم قدرت بین قوای سه‌گانه موجب ضرورت مصالحه سیاسی در سیاست‌گذاری خارجی و به تبع آن، کندشدن این فرایند می‌شود. بنابراین این دسته از متغیرهای حکومتی از تغییرات ناگهانی و غیرمترقبه و گسترده در سیاست خارجی ایران جلوگیری می‌کند و به آن استمرار و تداوم می‌بخشد؛ ولی در کل در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رییس‌جمهور از وزنه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی است (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۵)

نتیجه‌گیری

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ شاهد تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اصول‌گرایی عدالت‌محور در زمان محمود احمدی‌نژاد به آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در دولت حسن روحانی بودیم. به تبع آن دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از حالت تقابلی-تهاجمی در دوران احمدی‌نژاد به حالت تفاهمی و تعاملی در دولت جدید تغییر رویکرد داد. در نتیجه در ذیل اعتدال که دال مرکزی در گفتمان دولت حسن روحانی بوده است سعی شد تا نوعی توازن بین واقع‌بینی و آرمان‌خواهی برقرار شود که این به معنای کمترشدن تعارض و ستیز با نظم بین‌الملل و پذیرش نسبی آن و لزوم تعامل با آن بوده است. در این پژوهش تلاش شد تا با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری روزنا به عوامل مؤثر بر دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم و چرایی تغییر در سیاست خارجی آن پرداخته شود. در این راستا تأثیر پنج مؤلفه ساختار نظام بین‌الملل، فرد، جامعه، نقش و منابع حکومتی

در رسیدن به توافق هسته‌ای مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده که به ترتیب نظام بین‌الملل، فرد و همچنین جامعه مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دستیابی به توافق هسته‌ای بوده و این عوامل بیشتر از نقش و سازمان بوروکراتیک (حکومت) در رسیدن به این توافقات تأثیر گذار بوده است. در مرحله اول، فشار عوامل محیطی که در تحریم‌های گسترده متجلی شد، سبب فشار زیادی به مردم کشور و در پی آن سیاست مداران ایرانی شده و پررنگ‌ترین نقش را در شکل‌گیری توافق هسته‌ای ایفا کرد. تأکید تصمیم‌گیران ایرانی از جمله مقام رهبری بر لزوم رفع هم تحریم‌ها برای دستیابی به توافق هسته‌ای دلیل بر همین مدعا است. تصویب چندین قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت و اعمال تحریم‌های گسترده که توسط مجموعه وسیعی از کشورها دنبال و رعایت شد، در عمل سبب بحران عمیق در اقتصاد ایران شد. گستردگی این تحریم‌ها به حدی بود که محمود بهمنی رئیس وقت بانک مرکزی اثرات جدی تحریم‌ها را به اقدامی که دست‌کمی از جنگ نظامی ندارد، تشبیه کرد. حتی رئیس جمهور وقت محمود احمدی نژاد که زمانی قطعنامه را کاغذ پاره یاد می‌کرد، به اثرات سوء تحریم‌ها اعتراف کرد. شایان توجه اینکه فشار بین‌المللی به گونه‌ای بوده که حتی در دولت دهم هم رگه‌هایی از مذاکره با آمریکا ملاحظه و حتی برخی گفت‌وگوهای محرمانه در عمان نیز انجام گرفت.

در پی بحران عمیق اقتصادی، کشور در آستانه ورود به بحران‌های سیاسی و امنیتی بود به گونه‌ای که با گسترش و ادامه یافتن روند قبلی حتی به خطر افتادن نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قابل تصور بود. در این میان، با انتخابات ریاست جمهوری، نخبگان سیاسی جدیدی که برداشت‌هایی متفاوت از نخبگان دولت‌های نهم و دهم در رابطه با دیپلماسی، مصالحه و سیاست خارجی داشتند، به قدرت رسیدند. روحانی توانست شخصیتی از خود به جهان عرضه کند که ترکیبی از صداقت و بیان قابل درک بین‌المللی را در خود داشت. او سیاست خارجی را عرصه تعامل و سازش می‌دانست و در

سال‌های گذشته تجربه مصالحه با غرب در موضوع هسته‌ای را داشت. بررسی رویکردها، پیشینه و تجربیات روحانی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و تلاش‌های آن‌ها در مذاکرات پیچیده و طولانی هسته‌ای که به ماراتنی دشوار شبیه بود، به خوبی تأثیر متغیرهای فردی بر حصول توافق هسته‌ای را نشان می‌دهد. در واقع بررسی تطبیقی نخبگان سیاسی و تیم مذاکره‌کننده در دولت دهم و یازدهم به خوبی انعطاف‌پذیری، اعتمادسازی، تحرک و تجربه و تأثیر آن در دست‌یابی به توافق را نمایان می‌کند.

مؤلفه پراهمیت بعدی در شکل‌گیری دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم منابع اجتماعی است. در این سطح باید به جهت‌گیری‌های مردم و افکار عمومی نسبت به موضوع هسته‌ای توجه داشت. اینکه آیا افکار عمومی بر حقوق کامل خود در زمینه هسته‌ای و رویکرد تهاجمی پافشاری کنند و یا برعکس خواستار سازش با غرب و لغو تحریم‌ها شوند، بسیار پر اهمیت است. به نظر می‌رسد که حمایت مردم از روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ و همچنین روند طولانی مذاکرات کاملاً جهت‌گیری اکثریت مردم را نمایان کرد. در نهایت باید به تأثیر نقش و منابع حکومتی در حصول توافق هسته‌ای اشاره کرد. در این راستا، نقش رییس‌جمهور و وزیر امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده و حدود اختیارات و وظایف آن‌ها در سیاست‌گذاری هسته‌ای، با توجه به قانون اساسی و روندها و رویه‌ها مورد توجه است. در واقع، حسن روحانی به‌عنوان رییس‌جمهور در انتخاب گزینه‌ها و به‌کارگرفتن سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی - برای نمونه در مسئله هسته‌ای - آزادی عمل نامحدود ندارد و این مسئله در موضوع هسته‌ای نیز نقشی محدودکننده داشته است. در نهایت، با توجه به ساختار حکومتی، رییس‌جمهور پس از رهبری بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی دارد و البته نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی نیز بسیار تأثیرگذار هستند. این ساختار حکومتی خود تأثیرات چندگانه‌ای بر دست‌یابی به توافق هسته‌ای داشته به‌گونه‌ای که از یک‌سو با توجه به تأثیر ریاست‌جمهور در سیاسی خارجی نقش پررنگی در رسیدن به توافق ایفا کرده و از سوی دیگر

با توجه به جایگاه نهادهای دیگر محدودیت‌هایی نیز داشته است که البته دیپلماسی کارآمد معمولاً با بهره‌گیری از محدودیت‌ها در سطح داخلی تلاش می‌کند تا بهترین نتیجه و برون داد را به دست آورد که از این منظر نیز می‌توان در فرصت دیگری به سیاست خارجی دولت یازدهم پرداخت.

منابع:

- آلدن، کریس و امون آران (۱۳۹۳)، *رویکردهای جدید در تحلیل سیاست خارجی*، ترجمه امیر نیاکوئی و دیگران، تهران: انتشارات میزان.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)*، تهران: وزارت امور خارجه.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۴)، *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کری، کلایدهافونر و همکاران (۱۳۹۲)، *بازخوانی تحریم‌های اقتصادی*، ترجمه نادر جعفری، تهران: انتشارات کشتیرانی.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱)، *سیاست‌گذاری اقتصادی، مدل، روش و فرایند*، چاپ دوم، تهران: انتشارات رخداد نو.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (بهار ۱۳۹۳)، «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۸، شماره اول.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و مهدی عطایی (بهار ۱۳۹۳)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۷، شماره ۱.
- رسولی الهام و میرحسینی (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۷۴.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۲)، «مفهوم اعتدال»، *مجله مهرنامه*، شماره ۳۰.
- شریعتی نیا، محسن و زهرا توحیدی (۱۳۹۲)، «ایران و قدرت ساختاری غرب»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره سوم، پاییز.

فدایی، مهدی و مرتضی درخشانی (بهار ۱۳۹۴)، «تحلیل اثرات کوتاه مدت و بلند مدت تحریم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، شماره هجدهم.

مختاری هشی، حسین (تابستان ۱۳۹۴)، «تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره دوم.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۲، ملت آنلاین مصاحبه مبارزات انتخاباتی

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۱۴/۲۰/۱۳۹۲، مصاحبه مبارزات انتخاباتی در خبرگزاری ایرنا.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۱۹/۰۳/۱۳۹۲، مصاحبه مبارزات انتخاباتی در خبرگزاری ایرنا.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۵/۰۷/۱۳۹۲، کنفرانس خبری نیویورک در خبرگزاری ایرنا.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۱۳/۰۶/۱۳۹۲، سخنرانی در مجلس خبرگان رهبری و بیگاه

حسن روحانی

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۱۸/۰۴/۱۳۹۲، وبگاه حسن روحانی

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، ۱۱/۰۴/۱۳۹۲، وبگاه حسن روحانی.

Kagan, Robert (2003), **Paradise and Power: America and Europe in the New World Order**, translated by Mahmoud Agbdullah Zadeh, Tehran: Office of Cultural Publishing in Persian.

Rosenau, James (1971), **The Scientific Study of Foreign Policy**, New York: The Free Press.

Waltz. Kenneth(1982), **Theory of International Politics**, Tokyo: University of Tokyo Press.

Berman, Ian (2012), "The Kremlin's Iran Problem", **Washington: American Foreign Policy**, June 18.

Hudson, Valerie and Christopher S. Vore (1995), "Foreign Policy Analysis Yesterday Today and Tomorrow", *Mershon International Studies Review*, 39(2).

Katzman, K. (2013), **Iran Sanctions**, Washington D.C. :

Congressional Research Service

Katzman, K. (2016), **Iran Sanctions**, Washington D.C. :
Congressional Research Service

Sprout, Harold and Margaret Sprout (1957), "Environmental
Factors in Study of International Politics", **The Journal of
Conflict Resolution**, 1(4).